



دلایل شکست احتمالی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا

یک نویسنده آمریکایی در تحلیل کاملی با تأکید بر یأس و ناامیدی و بحران شدید اقتصادی و ضعف دولت کنونی آمریکا، تأکید کرد که حزب دموکرات آمریکا در انتخابات میان‌دوره‌ای با شکست سنگینی مواجه خواهند شد.

یک نویسنده آمریکایی در تحلیل کاملی با تأکید بر یأس و ناامیدی و بحران شدید اقتصادی و ضعف دولت کنونی آمریکا، تأکید کرد که حزب دموکرات آمریکا در انتخابات میان‌دوره‌ای با شکست سنگینی مواجه خواهند شد. به گزارش فارس، "فیل ویلیتو" نویسنده برجسته آمریکایی و از فعالان ضدجنگ در آمریکا در یادداشتی درباره انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا که آن را در اختیار خبرگزاری فارس قرار داد، نوشت که بسیاری از تحلیلگران سیاسی با این مسئله موافق هستند که حزب دموکرات آمریکا در انتخابات کنگره‌ای 2 نوامبر (11 آبانماه)، با شکست سنگینی مواجه خواهند شد. حزب "بارک اوباما" رئیس‌جمهوری آمریکا احتمالاً کنترل مجلس نمایندگان آمریکا و یا شاید سنا را از دست دهد.

**** آمریکا از وسط به دو نیم تقسیم شده است**

ویلیتو در ابتدای تحلیل خود با ذکر این مطلب که حزب دموکرات در انتخابات میان‌دوره‌ای شکست می‌خورد، ادامه داد که سوالی که در اینجا مطرح است این است که دلیل این شکست چه خواهد بود؟ وی در پاسخ به این سوال تصریح کرد: تنها دو سال پیش، اوباما در آنچه که ظاهراً موجی از خوشبینی درباره آینده کشور آمریکا بود، به عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا برگزیده شد. رهسپاران پیشین آمریکا در واقع دولت‌های "جرج بوش" و "جینی" بودند که اقتصاد آمریکا را بر لبه فروپاشی قرار داده بودند. 5 سال جنگ در عراق منجر شده بود که مردم آمریکا تشنه صلح شوند و انتخاب اولین رئیس‌جمهور سیاه‌پوست در آمریکا ظاهراً عصر جدید و روشنی را در روابط نژادی آمریکا تضمین می‌کرد. امروز، جمعیت خشمگین سفیدپوست آمریکا در حال اعلام این مطلب هستند که می‌خواهند کشورشان را پس بگیرند. زمانی که امروز تلاش می‌کنیم تا سیاست‌های آمریکا را معین کنیم، نکته و مسئله مهمی که در ذهن خود می‌سپاریم این است که کشور آمریکا درست از وسط به دو نیم تقسیم شده است.

**** اوباما هیچ اقدامی برای بهبود وضعیت آمریکا انجام نداد**

اوباما در انتخابات سال 2008 تنها با 52.9 درصد از آراء توانست در مقابل "جان مک‌کین" رقیب جمهوری‌خواه خود که 45.7 درصد از آراء را کسب کرده بود، پیروز شود. آتهایی که به اوباما رأی دادند خواستار ایجاد شغل، عقب‌نشینی از جنگ عراق و معکوس کردن سال‌های حمله به حقوق زنان، مردم غیر از سفید پوستان، کارگران و محیط زیست بودند. از طرف دیگر، میلیون‌ها سفید پوست بودند که اکثریت آنها از طبقه متوسط جامعه آمریکا بوده و همچنین از اقتصاد خشمگین و حتی از جنگ خسته شده بودند، اما افرادی بودند که مطمئن بودند که نمی‌خواهند یک فرد سیاه‌پوست کنترل کاخ سفید را برعهده گیرد. دو سال پس از گذشت آن زمان، هیچ کس در آمریکا خوشحال نیست، آمار رسمی نشان می‌دهد که بیکاری هنوز نزدیک به 10 درصد شده است و بانک‌های این کشور هنوز در حال بازپس‌گیری میلیون‌ها خانه افرادی است که قادر به پرداخت اجاره‌های ماهیانه خود نیستند.

آمریکا هنوز در عراق است و شمار نیروهای خود در افغانستان را دو برابر کرده است اما با این وجود آمریکایی‌ها امروزه نسبت به دوره بوش و چنی چندان از خطرات تروریسم ایمن‌تر نیستیم.

در خصوص موضوع نژادی، دولت اوباما که از پس زده شدن توسط نژادپرستان سفیدپوست واهمه دارد، تلاش می‌کند تا اقدامی انجام ندهد که به نظر برسد از جامعه سیاه‌پوستان حمایت می‌کند بنابراین هیچ برنامه عمومی برای ایجاد شغل، هیچ سخت‌گیری در مقابل وحشیگری نیروهای پلیس، هیچ اصلاحی برای نظام زندان و حتی هیچ قطعنامه و راه‌حلی برای پرداختی‌های معوقه کشاورزان سیاه‌پوست که به دلیل نژاد از وام‌های دولتی محروم مانده‌اند نیز تعبیه نشده است.

**** هزینه رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا معادل هزینه راه‌اندازی یک جنگ کوچک است**

و در میان حامیان جمهوری‌خواه، خشم عمیقی در این خصوص وجود دارد که کشور آمریکا که در آن بزرگ شده‌اند، کشوری که به آنها به عنوان شهروندان عادی نگریسته می‌شد و به غیر از آنها به عنوان یک فرد پست نگریسته می‌شد، توسط مهاجران مسلمان و آمریکایی لاتین اداره می‌شود. در چنین جوی قشر ثروتمند آمریکا بر روی یک جناح راست‌گرا که موسوم به "تی پارتی" یا همان حزب چای است سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا تضمین کنند که این سفیدپوستان خشمگین از همه به غیر از این قشر ثروتمند خشمگین هستند. بنابراین، در حالی که رأی‌دهندگان دموکرات ناامید هستند، جمهوری‌خواهان خشمگین هستند و مردم خشمگین رأی می‌دهند و مردم ناامید در خانه‌های خود باقی می‌مانند.

در واقع اوباما دقیقاً کاری را انجام داده است که برای انجام آن انتخاب شده بود، کاری که افرادی که او را به قدرت رساندند از او خواسته بودند.

در آمریکا همه می‌توانند کاندید انتخابات ریاست‌جمهوری شوند (یعنی تقریباً همه می‌توانند در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا کاندید شوند اما قانون، مهاجران و افرادی که مرتکب جرم و جنایت‌های جدی شده‌اند را از لیست کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری حذف می‌کند که این جرایم می‌تواند شامل دزدیدن چند جفت اسنیکرهای گرانقیمت شود اما در نهایت، پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری یک موضوع کاملاً متفاوت است.

رقابت برای انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا هم‌اکنون هزینه‌ای معادل راه‌اندازی یک جنگ کوچک دارد. یک مبارزه انتخاباتی موثر به مفهوم صرف میلیون‌ها دلار هزینه به ویژه در بخش تبلیغات تلویزیونی است. بنابراین اولین چیزی که یک کاندیدای بالقوه باید انجام دهد این است که حامیان بسیار ثروتمندی پیدا کند.

اوباما، حامیان ثروتمند خود را در شرکت "گلدمن ساکس" شرکت سرمایه‌گذاری پرنفوذ "وال استریت" پیدا کرد. آنچه که بانکداران می‌خواستند این بود که واشنگتن وارد عمل شده و با ثبات دادن به اقتصاد و پیدا کردن راهی برای حفظ امپراطوری آمریکا بدون آنکه کشورهای دیگر کره زمین را منزوی کند، این بانک‌ها و همچنین شرکت‌های آمریکایی و سود آنها را نجات دهد و حفظ کند و اوباما بسیاری از این اقدامات را انجام داد.

****اوباما همان اهداف امپریالیستی روسای جمهور پیشین آمریکا را دنبال می‌کند**
از نظر داخلی، دولت اوباما با تزریق صدها میلیارد دلار به بانک‌ها و شرکت‌های غول‌پیکر آمریکا، نظام سرمایه‌داری آمریکا را نجات داد. در امور خارجی، اوباما با برجسته کردن تصویر دیپلماسی و مذاکره به جای تقابل، اعصاب جهانی را کمی آرام کرد و در عین حال به طور اساسی همان اهداف امپریالیستی پیشینیان خود را پیگیری کرد. (آیا شما هیچ‌گونه تغییر کاربردی در سیاست آمریکا در قبال ایران مشاهده کرده‌اید.

****سیاست‌های دولت اوباما به نفع ثروتمندان آمریکا است**
امروزه، ثروتمندترین مردم آمریکا با افزایش حقوق روبرو هستند در حالی که بقیه با کاهش حقوق و مزایا مواجه شده‌اند بنابراین اوباما برای افراد خیلی ثروتمند یک موفقیت محسوب می‌شود اما برای آندسته از آمریکایی‌هایی که از طبقه متوسط جامعه محسوب می‌شود، روزانه خشم افراد در خصوص از دست رفتن استانداردهای زندگی افزایش پیدا می‌کند و این افراد از آمارگیری جمعیت در حال تغییر آمریکا بسیار دلسرد شده‌اند (تا سال 2040، سفیدپوستان آمریکا در اقلیت خواهند بود.) و اوباما نماینده شخصیت شیطانی را ایفا می‌کند.

و برای حامیان طبقه پایین جامعه آمریکا که اغلب آمریکایی-آفریقایی و آمریکایی لاتینی هستند، اوباما اقدامات بسیار اندکی به منظور رفع بحران اقتصادی بسیار عمیق آنها را انجام داده است.
بنابراین زمانی که نتایج انتخابات 2 نوامبر اعلام شود اکثر سیاستمداران مستبد سال برای اداره کشور انتخاب شوند، دلیل برای بقیه جهان وجود ندارد که نتیجه‌گیری کنند که مردم آمریکا عقل خود را از دست داده‌اند زیرا واقعیت این است که ما مردم آمریکا هرگز یک انتخاب واقعی نداشته‌ایم.

***** "فیل ویلیتو" یک فعال ضدجنگ و ارتباطات است که در "ریچموند" ایالت "ویرجینیا" آمریکا زندگی می‌کند. وی نویسنده کتاب "در دفاع از ایران: یادداشت‌هایی از سفر هیأت صلح آمریکا از جمهوری اسلامی ایران" است.**